

چارلز هندي در این کتاب ، با نقد هر دو نظریه (سوسیالیسم و کاپیتالیسم) ، راه حل سومی را ارائه میدهد. این نظریه تلویحا به این مطلب اشاره دارد که انسان موجودی است با دو بعد ماده و معنا یا جسم و روح . پرداختن به یکی نباید به قیمت نادیده گرفتن دیگری تمام شود.

انباشتن ثروتهایی که فرصت و امکان بهره برداری از آنها را نداریم ، چه سودی دارد؟ در حالی که بنابه گزارش سازمان جهانی کار يك سوم نیروی انسانی جهان بیکار یا به فعالیتی کمتر از توان خود سرگردند، گفتگو از ط حد کارایی و بهره وری ضروری برای تولید چنان ثروتی چه معنا دارد؟ اگر اقتصاد با همین روند رشد کند تا صد سال دیگر قدرت خرید ما 16 برابر میشود حتی اگر محیط زیست تحمل این بار سنگین را داشته باشد ، میخواهیم با اینهمه کالا و خدمات چه بکنیم؟ هم اکنون 17 شرکت بزرگ جهان بسیار ثروتمند تر از بسیاری کشورها هستند.

مفهوم بیمه که بصورت آشکار یا تلویحی تضمین بهداشت و سلامت شهروندان در حکومتهاي مردم سالار را بعهده میگیرد ، نمی بایست که بر پایه منطق بازار درمانهي پر هزینه یا بیماران درمان ناپذیر را به حساب موارد زیان آور بگذارد.

نخستین استاد اقتصاد من ، که برنده جایزه نوبل میباشد یکبار گفته بود " دوست دارم در کشورهایی زندگی کنم که رشد اقتصادی رو به پایینی دارد. آنجا انسانها وقت بیشتری برای نهار خوردن دارد هنر و اجرای نمایش هم در آن کشورها فراوانتر است.

در جوامع امروزی :

42 درصد کارکنان در آخر روز احساس میکنند ار پا افتاده اند

69% دوست دارند زندگیشان آرام باشد

پدران و مادران 40% کمتر از سی سال پیش با فرزندان خود وقت میگذرانند

بسیست سال پیش 41% از جوانان امید به رسیدن به يك زندگی خوب را داشتند این نسبت اکنون به 21% رسیده است

در نظامهای تامین اجتماعی کشورهای پیشرفته ، بیکار شدگان را که اغلب جوان نیز هستند به کارفرمایان معرفی میکنند تا بدون دستمزد مدتی برایشان کارکنند و خود سازمان دولتی مزد آنان را میپردازد. فلسفه این کار این است که جوانان به فعالیتهای تازه علاقمند شوند و پس از گذشت دوره آشنایی ، شاید بدان جذب گردند.

دنيای چنډوگو

در زبان ژاپني چنډوگو به چيزي اطلاق ميشود که بي فايده است ولي انسان به خريد آن وسوسه ميشود. برف پاک کن براي عينک در روزهاي باراني ، کراواتهاي زيادي ... که اغلب آنان هديه هاي سال نو هستند فن آوري به چنډوگو دامن ميزند . اکنون گونه اي ماشينهاي رختشويي به بازار آمده اند که دوازده برنامه کاري دارند ولي بسياري از آنها را هر گز بکار نميگيريم.

بانکهاي مستقر در دره سليکون بر عکس بانکهاي عادي بجاي توجه به وضع موجود ، بر فرصتهاي آتي شرکتها سرمايه گذاري ميکنند. اگر شما رويايي داريد که به اندیشه پياده کردن آن رسیده ايد و طرح کاربردي است ، بي ترديد کسي را پيدا ميکنيد که منابع و پشتيبانيهاي لازم را فراهم نمايد. در اينجا اشتباه ها را نابود کننده نميدانند

اين را نبايد نا ديديه گرفت که درازي دوره دائم کار (استخدام دائم) در انگليس و آمريکا رو به کاهش دارد و اکنون حدود 6 سال است.

اکنون وضع به گونه اي است که انگار از ديد ما اقتصاد همه چيز زندگي ، پول برترين معيار در آن و بازار تنها مکانيزم تنظيم امور است. احساس من اين است که همگي ما اينها را قبول نداريم ولي همگي در دور باطلي گير افتاده ايم و گويای هيچ چيز براي عرضه کردن يا حتي گفتن نداريم. به گمان من انسان تشنه و خواستار چيز ديگري است که ميتواند بسيار پذيرفتني تر و ارزشمند تر باشد.

بند پاراسل از روم باستان

اگر نمیتوانيم آنچه باشيم که بايد ، دست کم آن نباشيم که نبايد

نيچه گفته است کساني که "چرا" را دارند از عهده هر "چگونه" اي بر مي آيند، ولي دشواري در دانستن چرا مي باشد.

رالف والدو امرسون بيروزي را چنين باور دارد :

اغلب و فراوان خندان بودن ، احترام هوشمندان و محبت کودکان را بدست آوردن ، تائيد منتقدان امين و تحمل خيانت دوستان دروغين را داشتن ، زيبايي را ستودن ، بهترين نيکوييها را در ديگران ديدن ، زندگي را کمي بهتر از آغاز پشت سر نهادن ، با بار آوردن يک فرزند سالم ، حتي اينکه در يابيم نفس کشيدن را براي يک نفر اسان کرده ايم ، اينها را ميتوان بيروزي ناميد